

تهیه و طراحی : محمد یولچی خانی



اگر این محتوا مفید بود یا اگر word این محتوا را خواستید با شماره:

« ۰۹۱۰۰۴۸۲۵۲۲ » تماس وبا واریز مبلغ دلخواه ما را یاری کنید.



درسنامه

رابطه علیت

یکی از کهن ترین مسائل فلسفی، مسئله علت و معلول است. شاید نخستین مسئله ای که فکر بشر را به خود متوجه ساخته و او را به تفکر و اندیشه وادار کرده است، چگونگی رابطه علت و معلول باشد. انسان از همان ابتدای ظهور خود بر روی این کره خاکی به دنبال علت یابی بوده و برای یافتن علل پدیده ها تلاش کرده است.

تعریف «علت» و «معلول»

علت چیزی است که به معلول وجود می دهد و وجود معلول متوقف بر وجود آن است؛ یعنی تا علت نباشد، معلول هم پدید نمی آید. معلول نیز چیزی است که وجودش را از چیزی دیگر که همان علت است می گیرد؛ یعنی در وجود خود، نیازمند دیگری است.

رابطه علیت

رابطه علیّت رابطه ای وجودی است که در آن یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) وجود می دهد. به عبارت دیگر، تا علت نباشد معلول موجود نخواهد شد.

رابطه علیّت رابطه ای وجودی است، رابطه ای وجودی یعنی یکی وجودش وابسته به وجود دیگری است؛ یعنی مانند رابطه دوستی نیست که در آن ابتدا وجود دو فرد فرض می شود و سپس میان آنها دوستی برقرار می گردد.

سوالاتی راجع به منشأ پذیرش درک رابطه علیّت

انسان چگونه متوجه رابطه «علیت» می شود و آن را می پذیرد؟

آیا درک این رابطه مادرزادی است؟

یا اینکه این رابطه را از طریق تجربه و حس درک کرده و پذیرفته است؟

یا از راه عقل و استدلال عقلی؟ و یا از راهی دیگر؟

نظر دکارت درباره چگونگی بوجود آمدن اصل علیّت

از میان فیلسوفان اروپایی، دکارت معتقد بود که :

اصل علیّت بدون دخالت تجربه به دست می آید و جزء مفاهیم اولیه و بدیهی است که انسان از آن درک فطری دارد. یعنی هرانسانی، با درکی از رابطه علیّت متولد می شود و درک این رابطه نیاز به تجربه و یا آموزش ندارد ولی یافتن مصداق های علت و معلول نیازمند تجربه و آموزش است.

نظر تجربه گرایان (امپریست ها) درباره چگونگی بوجود آمدن اصل علیّت

تجربه گرایان (امپریست ها) چون هر چیزی را براساس حس و تجربه تحلیل می کنند، معتقدند که:

انسان از طریق حس به توالی پدیده ها پی می برد و رابطه علیّت را بنا می نهد. آنان می گویند که مثلاً چون زمین همواره با آمدن خورشید، روشن و با ناپدید شدن آن، تاریک شده است، انسان متوجه رابطه ای میان این دو پدیده شده و دانسته که تا خورشید نیاید، زمین هم روشن نمی شود و اسم این رابطه را علیّت گذاشته است.

نظر دیوید هیوم درباره چگونگی بوجود آمدن اصل علیّت

دیوید هیوم فیلسوف قرن هجدهم انگلستان نظر خاصی دارد.

او که اساساً تجربه گرا است و امکان معرفت از طریق استدلال عقلی و بدون تجربه را رد می کند.

دیوید هیوم معتقد است این تداعی روانی ناشی از توالی پدیده ها باعث بوجود آمدن اصل علیّت شده است.

نظر فلاسفه مسلمان درباره چگونگی بوجود آمدن اصل علیّت

فلاسفه مسلمان می گویند، :

اصل علیّت یک قاعده عقلی است و از تجربه به دست نمی آید؛

زیرا هر داده تجربی خود مبتنی بر این قاعده است

آنان می گویند: همین که ذهن انسان شکل گرفت و متوجه اصل امتناع انقیاضین شد، درمی یابد که پدیده ها خود به خود به وجود نمی آیند.

نظر ابن سینا درباره چگونگی بوجود آمدن اصل علت

ابن سینا که حدود شش قرن قبل از هیوم زندگی می کرده است، به گونه ای از علّیت سخن گفته که گویا پاسخی برای هیوم آماده نموده است. وی می گوید:

آری، درک این رابطه و پی بردن به «علّیت» از طریق تجربه امکان پذیر نیست؛ زیرا ما از طریق حس و تجربه، فقط به دنبال هم آمدن یا همراه هم آمدن برخی پدیده ها نیست را می یابیم اما به دنبال هم آمدن دو حادثه به معنای علّیت نیست لذا طبیعی است که کسی که صرفاً تجربه گراست، نمی تواند تبیین قانع کننده ای از علّیت ارائه کند.

سنخیت علت و معلول

انسان علاوه بر اینکه درک می کند که هر حادثه ای علت می خواهد، درک می کند که هر معلولی از هر علتی پدید نمی آید بلکه هر معلولی از علت خاصی صادر می شود و پدید می آید. فیلسوفان این اصل را «سنخیت میان علت و معلول» می نامند.

مثلاً: آتش می سوزاند، آفتاب، روشنایی می دهد و غذا انسان را سیر می کند.

نظر فیلسوفان درباره چگونگی بوجود آمدن اصل سنخیت میان علت و معلول

فیلسوفان به جز فیلسوفان تجربه گرا می گویند:

این اصل نیز مانند خود اصل علّیت یک اصل عقلی است.

نتایج اصل سنخیت

یکی از نتایج اصل سنخیت آن است که:

انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با خودش را دارد؛ به همین سبب، می کوشد ویژگی های هر شیء را بشناسد و به تفاوت های آن با اشیاء دیگر پی ببرد تا بهتر بتواند آثار ویژه آن را شناسایی کند.

با قبول اصل سنخیت است که می توان برای نظم دقیق جهان پشتهوانه عقلی قائل شد و دانشمندان با تکیه بر همین اصل، تحقیقات علمی خود را پیگیری می کنند آنان با پدیده ای مواجه می شوند و می خواهند علت آن را بیابند، به سراغ عواملی می روند که تناسب بیشتری با آن پدیده دارد و علت آن پدیده را در میان آن عوامل جست وجو می کنند تا اینکه به علت ویژه آن دست یابند.

وجوب علی و معلولی

آنچه به معلول ضرورت وجود می دهد، علت است. معلول با قطع نظر از علت امکان ذاتی دارد؛ یعنی ذات و ماهیت آن نسبت به وجود و عدم مساوی است. با آمدن علت، وجود معلول ضرورت می یابد و موجود می شود. پس، علت به معلول خود ضرورت وجود می بخشد و معلول را موجود می کند. این رابطه ضرورت بخشی علت به معلول را «وجوب علی و معلولی» می گویند؛ یعنی اگر علت یک چیزی موجود شود، موجود شدن آن چیز نیز واجب می شود و ضرورت می یابد و آن چیز نیز موجود می شود.

الف) سوالات کامل کردنی :

- ۱- یکی از کهن ترین مسائل فلسفی، مسئله است. (علت و معلول)
- ۲- نخستین مسئله ای که فکر بشر را به خود متوجه ساخته و او را به تفکر و اندیشه وادار کرده است، مسئله باشد. (علت و معلول)
- ۳- چیزی است که به چیزی دیگر وجود می دهد و آن چیز را به وجود می آورد؛ یعنی تا علت نباشد، آن چیز هم پدید نمی آید. (علت)
- ۴- چیزی است که وجودش را از چیزی دیگر که همان علت است می گیرد؛ یعنی در وجود خود، نیازمند دیگری است. (معلول)
- ۵- رابطه وجودبخشی میان علت و معلول را «.....» می گویند. (رابطه علیت)
- ۶- رابطه ای وجودی است که در آن یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) وجود می دهد. (رابطه علیت)
- ۷- رابطه علیت است، یعنی یکی وجودش وابسته به وجود دیگری است. (رابطه ای وجودی)
- ۸- از میان فیلسوفان اروپایی، معتقد بود که اصل علیت بدون دخالت به دست می آید و جزء مفاهیم اولیه و بدیهی است که انسان از آن درک دارد. (دکارت - تجربه - فطری)
- ۹- چون هر چیزی را براساس تحلیل می کنند، معتقدند که انسان از طریق حس به توالی پدیده ها پی می برد و رابطه علیت را بنا می نهد.
(تجربه گرایان - حس و تجربه)
- ۱۰- فیلسوف قرن هجدهم انگلستان نظر خاصی دارد. او که اساسا است و امکان معرفت از طریق استدلال و بدون تجربه را رد می کند. (دیوید هیوم - تجربه گرا - عقلی)
- ۱۱- معتقد است این تداعی روانی ناشی از توالی پدیده ها باعث بوجود آمدن اصل علیت شده است. (دیوید هیوم)
- ۱۲- : تداعی علیت چیزی جز یک حالت روانی ناشی از توالی و پشت سرهم آمدن پدیده ها نیست. (دیوید هیوم)
- ۱۳- می گویند، اصل علیت یک قاعده است و از تجربه به دست نمی آید. (فلاسفه مسلمان - عقلی)
- ۱۴- فلاسفه مسلمان می گویند همین که ذهن انسان شکل گرفت و متوجه اصل شد، درمی یابد که پدیده ها خود به خود به وجود نمی آیند. (امتناع اجتماع نقیضین)
- ۱۵- بعد از درک علیت، برای اینکه علت حوادث طبیعی را بدانیم، باید از و خود استفاده کنیم. (حس - تجربه)

۱۶- انسان علاوه بر اینکه درک می کند که هر حادثه ای علت می خواهد، درک می کند که هر معلولی از هر علتی پدید نمی آید بلکه هر معلولی از علت خاصی صادر می شود و پدید می آید. فیلسوفان این اصل را می نامند. (سنخیت میان علت و معلول)

۱۷- فیلسوفان به جز فیلسوفان می گویند که اصل سنخیت میان علت و معلول نیز مانند خود اصل علیت یک اصل است. (تجربه گرا - عقلی)

۱۸- اشیاء در ذات و ماهیت خود، بوده اند و اکنون که موجودند، وجود برای آنها شده است. (ممکن الوجود- ضروری)

۱۹- آنچه به معلول ضرورت وجود می دهد، است. (علت)

۲۰- معلول با قطع نظر از علت دارد. (امکان ذاتی)

۲۱- رابطه ضرورت بخشی علت به معلول را می گویند. (وجوب علی و معلولی)

۲۲- لازمه و نتیجه اصل ارتباط و پیوستگی است. (اصل علیت)

۲۳- لازمه و نتیجه اصل تخلف ناپذیری و حتمیت در نظام هستی است. (اصل وجوب بخشی علت به معلول)

۲۴- لازمه و نتیجه اصل میان علت و معلول نظم و قانونمندی میان پدیده ها است. (اصل سنخیت میان علت و معلول)

ب) سوالات کشف ارتباط:

الف: سوالات	ب: پاسخ ها
۱- نخستین مسئله ای که فکر بشر را به خود متوجه ساخته و او را به تفکر و اندیشه وادار کرده است،	الف) فلاسفه مسلمان = ۵
۲- آنچه به معلول ضرورت وجود می دهد.	ب) رابطه علیت = ۷
۳- بعد از درک علیت، برای اینکه علت حوادث طبیعی را بدانیم، باید از آنها استفاده کنیم.	ج) علت و معلول = ۱
۴- معتقد است این تداعی روانی ناشی از توالی پدیده ها باعث بوجود آمدن اصل علیت شده است.	ل) دکارت = ۶
۵- می گویند، اصل علیت یک قاعده عقلی است و از تجربه به دست نمی آید.	م) علت = ۲
۶- از میان فیلسوفان اروپایی، او معتقد بود که اصل علیت بدون دخالت تجربه به دست می آید و جزء مفاهیم اولیه و بدیهی است که انسان از آن درک فطری دارد.	ه) ممکن الوجود = ۵
۷- رابطه ای وجودی است که در آن یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) وجود می دهد.	و) دیوید هیوم = ۶ و ۴

سنخیت علت و معلول=۸	
۸- هر معلولی از هر علتی پدید نمی آید بلکه هر معلولی از علت خاصی صادر می شود و پدید می آید. فیلسوفان این اصل را به این اصطلاح می نامند.	ی) حس و تجربه=۳
۹- اصل علیت	نظم و قانونمندی های معین میان دسته های مختلف پدیده ها=۱۱
۱۰- اصل وجوب بخشی علت به معلول	تخلف ناپذیری و حتمیت در نظام هستی=۱۰
۱۱- اصل سنخیت میان علت و معلول	ارتباط و پیوستگی میان هر شیء و منشأ آن=۹

ج) گزاره های فلسفی صحیح و غلط:

- ۱- یکی از کهن ترین مسائل فلسفی، مسئله علت و معلول است. (ص)
- ۲- رابطه علیت رابطه ای وجودی است که در آن یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) وجود می دهد. (ص)
- ۳- رابطه علیت رابطه ای مانند رابطه دوستی است که در آن ابتدا وجود دو فرد فرض می شود و سپس میان آنها دوستی برقرار می گردد. (غ)
- ۴- دیوید هیوم فیلسوف قرن هجدهم اساساً تجربه گراست و امکان معرفت از طریق استدلال عقلی و بدون تجربه را رد می کند. (ص)
- ۵- فلاسفه مسلمان می گویند، اصل علیت یک قاعده حسی است و از تجربه به دست می آید. (غ)
- ۶- برای اینکه علت حوادث طبیعی را بدانیم، باید از حس و تجربه خود استفاده کنیم. (ص)
- ۷- یکی از نتایج اصل علیت آن است که انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با خودش را دارد. (غ)
- ۸- یکی از نتایج اصل سنخیت آن است که انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با خودش را دارد. (ص)
- ۹- اشیاء در ذات و ماهیت خود، ممکن الوجود بوده اند و اکنون که موجودند، وجود برای آنها ضروری شده است و ضرورت وجود پیدا کرده اند. (ص)
- ۱۰- معلول که در ذات خود ممکن الوجود است و فقط امکان موجود شدن را دارد، توسط علت، واجب الوجود می شود و لباس هستی می پوشد. (ص)
- ۱۱- رابطه علیت رابطه ای وجودی است که در آن یک طرف «معلول» به طرف دیگر «علت» وجود می دهد. (غ)
- ۱۲- کشف علل امور طبیعی از طریق حس و تجربه صورت می گیرد، اما خود اصل علیت از این طریق به دست نمی آید. (ص)

۱۳- انسان موجودی پرسشگر است و از چگونگی و علل پدیده ها سؤال می کند. (ص)

۱۴- جهان ساختاری علت و معلولی دارد و پدیده ها خود به خود پدید نمی آیند. (ص)

۱۵- فلاسفه نظرات متفاوتی درباره قبول اصل علیت توسط انسان دارند. (ص)

۱۶- فلاسفه مسلمان معتقدند که علیت یک اصل عقلی است و ریشه در اصل عدم اجتماع و ارتفاع نقیضین دارد. (ص)

۱۷- میان علت ها و معلول ها رابطه سنخیت وجود دارد و هر علتی، معلول خاص خود را پدید می آورد. (ص)

۱۸- علت ها معلول های خود را از حالت امکانی خارج می کنند و وجود را برای آنها ضروری می نمایند.

(ص)

د) سوالات تشریحی

۱- نخستین مسئله ای که فکر بشر را به خود متوجه ساخته و او را به تفکر و اندیشه وادار کرده است، چیست؟

مسئله علت و معلول

۲- علت چیست آن را تعریف کنید.

علت چیزی است که وجود معلول متوقف بر آن است و تا آن نباشد، معلول هم پدید نمی آید؛ یعنی، در وجود خود بدان نیازمند است.

۳- معلول چیست آن را تعریف کنید.

معلول چیزی است که وجودش را از چیزی دیگر که همان علت است می گیرد؛ یعنی در وجود خود، نیازمند دیگری است.

۴- از نظر دیدگاه فلاسفه مسلمان هر داده تجربی مبتنی بر چیست؟

هر داده تجربی خود مبتنی بر قاعده اصل علیت است.

۵- بعد از درک علّیت، برای اینکه علّت حوادث طبیعی را بدانیم، باید از چه چیزی استفاده کنیم؟

بعد از درک علّیت، برای اینکه علّت حوادث طبیعی را بدانیم، باید از حس و تجربه خود استفاده کنیم.

۶- کشف علل امور طبیعی چگونه صورت می گیرد؟

کشف علل امور طبیعی از طریق حس و تجربه صورت می گیرد. کودک وقتی صدایی می شنود، رویش را به سمت صدا برمی گرداند تا عامل آن را شناسایی کند.

۷- رابطه علّیت را تعریف کنید.

رابطه علّیت رابطه ای وجودی است که در آن یک طرف (علّت) به طرف دیگر (معلول) وجود می دهد. به عبارت دیگر، تا علت نباشد معلول موجود نخواهد شد

۸- رابطه علّیت همانند چه نوع رابطه ای است آن را شرح دهید.

رابطه علیّت رابطه ای وجودی است، رابطه ای وجودی یعنی یکی وجودش وابسته به وجود دیگری است؛ یعنی مانند رابطه دوستی نیست که در آن ابتدا وجود دو فرد فرض می شود و سپس میان آنها دوستی برقرار می گردد.

۹- نظر دکارت را درباره چگونگی بوجود آمدن اصل علیّت بنویسید.

از میان فیلسوفان اروپایی، دکارت معتقد بود که اصل علیّت بدون دخالت تجربه به دست می آید و جزء مفاهیم اولیه و بدیهی است که انسان از آن درک فطری دارد.

۱۰- نظر تجربه گرایان را درباره چگونگی بوجود آمدن اصل علیّت بنویسید.

تجربه گرایان چون هر چیزی را براساس حس و تجربه تحلیل می کنند، معتقدند که انسان از طریق حس به توالی پدیده ها پی می برد و رابطه علیّت را بنا می نهد. آنان می گویند که مثلاً چون زمین همواره با آمدن خورشید، روشن و با ناپدید شدن آن، تاریک شده است، انسان متوجه رابطه ای میان این دو پدیده شده و دانسته که تا خورشید نیاید، زمین هم روشن نمی شود و اسم این رابطه را علیّت گذاشته است.

۱۱- نظر دیوید هیوم را درباره چگونگی بوجود آمدن اصل علیّت بنویسید.

دیوید هیوم فیلسوف قرن هجدهم انگلستان نظر خاصی دارد. او که اساساً تجربه گرا است و امکان معرفت از طریق استدلال عقلی و بدون تجربه را رد می کند. دیوید هیوم معتقد است این تداعی روانی ناشی از توالی پدیده ها باعث بوجود آمدن اصل علیّت شده است.

۱۲- نظر دیدگاه فلاسفه مسلمان را درباره چگونگی بوجود آمدن اصل علیّت بنویسید.

فلاسفه مسلمان می گویند، اصل علیّت یک قاعده عقلی است و از تجربه به دست نمی آید؛ زیرا هر داده تجربی خود مبتنی بر این قاعده است. آنان می گویند: همین که ذهن انسان شکل گرفت و متوجه اصل امتناع اجتماع نقیضین شد، درمی یابد که پدیده ها خود به خود به وجود نمی آیند.

۱۳- نظر ابن سینا را درباره «اصل علیّت» بنویسید.

ابن سینا که حدود شش قرن قبل از هیوم زندگی می کرده است، به گونه ای از علیّت سخن گفته که گویا پاسخی برای هیوم آماده نموده است. وی می گوید:

آری، درک این رابطه و پی بردن به «علیت» از طریق تجربه امکان پذیر نیست؛ زیرا ما از طریق حس و تجربه، فقط «به دنبال هم آمدن» یا همراه هم آمدن «برخی پدیده ها را می یابیم اما به دنبال هم آمدن دو حادثه به معنای نیست. لذا طبیعی است که کسی که صرفاً تجربه گراست، نمی تواند تبیین قانع کننده ای از علیّت ارائه کند.

۱۴- سنخیت علت و معلول را تعریف کنید.

انسان علاوه بر اینکه درک می کند که هر حادثه ای علت می خواهد، درک می کند که هر معلولی از هر علتی پدید نمی آید بلکه هر معلولی از علت خاصی صادر می شود و پدید می آید. فیلسوفان این اصل را «سنخیت میان علت و معلول» می نامند.

۱۵- نظر فیلسوفان را درباره چگونگی بوجود آمدن اصل سنخیت میان علت و معلول را بنویسید.

فیلسوفان به جز فیلسوفان تجربه گرا می گویند که این اصل نیز مانند خود اصل علیّت یک اصل عقلی است.

✓ یکی از نتایج اصل سنخیت آن است که انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با خودش را دارد؛ به همین سبب، می‌کوشد ویژگی‌های هر شیء را بشناسد و به تفاوت‌های آن با اشیاء دیگر پی‌برد تا بهتر بتواند آثار ویژه آن را شناسایی کند.

✓ با قبول اصل سنخیت است که می‌توان برای نظم دقیق جهان پشتوانه عقلی قائل شد.

✓ و دانشمندان با تکیه بر همین اصل، تحقیقات علمی خود را پیگیری می‌کنند آنان با پدیده‌ای مواجه می‌شوند و می‌خواهند علت آن را بیابند، به سراغ عواملی می‌روند که تناسب بیشتری با آن پدیده دارد و علت آن پدیده را در میان آن عوامل جست‌وجو می‌کنند تا اینکه به علت ویژه آن دست یابند.

تفکر

آیا ساختمان ذهن کودک به گونه‌ای است که او «چرا» می‌گوید یا ساختار جهان چنان است که او رابه «چرا» گفتن می‌کشانند؟ آیا پرسش‌های کودک صرفاً تقلیدی از بزرگ‌ترهاست یا واقعاً متوجه چیزی می‌شود که انگیزه سؤال کردن را در او زنده می‌کند؟

اصولاً ساختار ذهن کودک علت‌یاب است و بخش اعظم تفکر کردن همان علت‌یابی است. به عبارت دیگر، انسان قدرت و توانایی تفکر و استدلال و یافتن علت‌ها و چگونگی‌ها را دارد و همین توانایی است که وقتی به کار می‌افتد، سبب کسب علم و دانش می‌شود و به میزانی که انسان بیشتر تفکر کند، دانش بیشتری به دست می‌آورد.

پرسش‌های کودک، صرفاً تقلید از بزرگ‌ترها نیست. بله، تربیت بزرگ‌ترها سبب تقویت توانایی کودک در پرسشگری می‌شود، نه اینکه اصل پرسشگری را در او به وجود بیاورد و ایجاد کند. سؤال از چراها و چگونگی‌ها در نهاد هر کودکی هست.

البته ساختار جهان هم متناسب با این ذهن علت‌یاب کودک هست، زیرا قانون علیت بر جهان حاکم است و برخی چیزها علت برخی چیزهای دیگرند.

مقایسه*

میان موجودات مختلف رابطه‌های گوناگونی وجود دارد که یکیا ز آنها رابطه علیت است. در جدول زیر، اشیائی در مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند. آیا می‌توانید رابطه‌ای میان آنها پیدا کنید؟ نام آن رابطه‌ها را بنویسید.

اشیاء	نوع رابطه
بدنه پل و ستون‌های زیر آن	رابطه اتکا (تکیه بدنه به ستون‌ها)

زمین و اشیای روی آن	رابطه جذب (نیروی جاذبه)
استاد و شاگرد	
کارفرما و کارگر	تعلیم و تعلّم
اجزای یک ساعت	کارکردن و دستمزد دادن
تفاوت اساسی این قبیل رابطه ها با رابطه علیّت چیست؟ در همه این رابطه ها، اجزا و اشیایی وجود دارند که با هم رابطه برقرار می کنند. اما در رابطه علیّت، معلول وجود ندارد و علت به معلول وجود می دهد و آن را پدید می آورد.	

تطبیق

در کتاب سال یازدهم نظر دکارت و تجربه گرایان و فیلسوفان مسلمان درباره معرفت شناسی را خوانده اید. آیا میان آن نظرات و دیدگاه آنان درباره علیّت هماهنگی وجود دارد؟

بله با تطبیق آن نظرات بر نظر آنان در علیّت، به رابطه میان آنها می تون پی برد. مثلاً دکارت که فیلسوفی عقل گرا بود و معتقد بود که عقل انسان علاوه بر تجربه، دانش های اولی هم دارد، بر آن مبنا در مورد علیّت هم معتقد است که علیّت از تجربه به دست نیامده و خود عقل، آن را درک می کند. تجربه گراها نیز چون معتقدند که همه دانش ها از تجربه به دست می آید، می گویند که درک و پذیرش اصل علیّت هم از طریق حس و تجربه صورت می گیرد.

بنابراین، قانون علیّت از نظر فلاسفه اسلامی یک قانون عقلی است و مادرزادی هم نیست و از طریق تجربه و درک توالی زمانی و مانند آن هم به دست نیامده است.

مقایسه

دیدگاه دیوید هیوم را با نظر ابن سینا مقایسه کنید و نظر خود را توضیح دهید.

ابن سینا علاوه بر یک تبیین دقیق از علیّت، ناظر بر رفع اشکالی است که قرن ها بعد پایه فکری فیلسوفی مثل هیوم را مورد « توالی » تشکیل دادو حتی سبب بیداری کانت از خواب جزمی شده است. جالب و شگفت انگیز است که ابن سینا هم به نظر هیوم اشاره می کند و توضیح می دهد که این توالی به هیچ وجه منشأ اعتقاد به علیّت در انسان نشده و هم به موضوع توجه می کند که هیوم آن را عامل پیدایش اصل علیّت در انسان به شمار می آوردو این را هم ابن سینا مردود « عادت ذهنی » می شمارد.

چه تفاوتی میان دیدگاه دکارت و ابن سینا وجود دارد؟

بررسی

۱- آیا می توانید در میان رفتارهای آدمیان موردی را مثال بزنید که نشان دهد اصل سنخیت علت و معلول مورد پذیرش آنها نیست ؟

با یک بررسی در اعمال و رفتار روزانه خود و دیگران می بینیم که همه براساس اصل سنخیت است، مثلاً: سوار اتومبیل شدن بدان جهت است که از اتومبیل انتظار داریم با سرعت بیشتر حرکت کند، غذا می خوریم چون از غذا انتظار داریم که سلامتی ما را تأمین کند و ...

۲- کسانی که این اصل را یک اصل تجربی می دانند، می گویند: «بنابر آنچه تاکنون تجربه کرده ایم، علت های خاص، معلول های خاص خود را دارند و نمی توانیم این اصل را به علت هایی که تجربه نکرده ایم، تعمیم دهیم.» نظر شما چیست؟

کسی که تجربه گرای محض است، در عمل نمی تواند از این نظر خود پیروی کند، زیرا بنابر اصل تجربه گرایی، اگر فرد تجربه گرا با پدیده ای جدید روبه رو شود، نمی تواند از این پدیده انتظار آثار خاص داشته باشد. اما در عمل این گونه نیست و همان فرد هم انتظار آثار خاص دارد، یعنی با پدیده های جدید که روبه رو می شود، باز هم براساس اصل سنخیت با آن برخورد می کند؛ یعنی به دنبال شناخت آثار ویژه آن پدیده است و انتظار دارد که آثار خاصی از آن ظاهر شود و این می رساند که اصل سنخیت یک اصل تجربی نیست.

۳- آیا ضرب المثل هایی داریم که گویای اصل سنخیت علت و معلول باشد؟
گندم از گندم بروید جو زجو.

به کار ببندیم

۱- مواردی که در زیر می آید، از نظر فیلسوفان، از نتایج اصل «علیت» و «سنخیت علت و معلول» است. آنان می گویند، چون هر انسانی این دو اصل را پذیرفته است، این موارد را هم به طور ضمنی قبول دارد. نظر شما در این باره چیست؟ نظر خود را روبه روی هر مورد بنویسید.

نتایج اصل علّیت	نقد و نظر
وجود نظم و پیوستگی	نظم جهان نتیجه همان سنخیت علی و معلولی است. اگر از هر چیزی هر چیزی پدید می آمد هیچ نظم و ترتیبی وجود نداشت.
امکان پیش بینی رخدادها	این هم به علت قبول اصل سنخیت است، مثلاً با آمدن ابر، انتظار داریم که باران ببارد.
امکان پیشگیری از برخی حادثه ها	چون می دانیم که مثلاً سیل باعث تخریب می شود، با ایجاد سد مانع سیل می شویم تا اثر سیل که تخریب خانه هاست، اتفاق نیفتد. پس در اینجا هم اصل سنخیت پذیرفته شده است.
امکان پژوهش و تحقیق	پژوهشگر هم چون انتظار دارد که از هر پدیده ای آثار خاصی مشاهده کند، تحقیق می کند تا آثار خاص هر پدیده را شناسایی کند.

تنظیم امور زندگی	اینکه مثلاً انسان روز را برای کار و شب را برای استراحت قرار می دهد بدان جهت است که شب آثار خود را دارد و روز آثار خود را.
به وجود آمدن شاخه های مختلف دانش	این هم بدان سبب است که پدیده های هم نوع و نزدیک به هم آثار نزدیک به هم دارند.

۲- دیدگاه های زیر، نظر کدام یک از فلاسفه است؟

علیت حاصل از توالی یا هم زمانی میان پدیده هاست: **تجربه گرایان**

درک انسان از علیت، یک درک فطری است: **دکارت**

چون انسان از جهت ذاتی ممکن الوجود است نیاز به علت دارد: **ابن سینا و فلاسفه پیرو او و توماس**

آکوئینی

چون انسان وجودی وابسته دارد، نیاز به به علت دارد: **ملاصدرا و پیروان او**

اصل علیت یک اصل تجربی است: **تجربه گرایان**

اصل علیت یک اصل کاملاً عقلی است: **عقل گرایان و فیلسوفان مسلمان**

۳- شعر زیر کدام اصل را تأیید می کند؟ شرح دهید.

چو بد کردی مشو غافل ز آفات

که واجب شد طبیعت را مکافات

ناظر بر اصل سنخیت علت و معلول است.